

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۰

او می‌خواهد مدتی از شبانه روز را آزاد باشد، قید و بندها را دور کند به استراحت پردازد با خانواده و فرزندان خود به گفتگوهای خصوصی بنشیند و تا آنجا که ممکن است از این آزادی بهره گیرد، و به همین دلیل به خانه خصوصی خود پناه می‌برد و با بستن درها به روی دیگران زندگی خویش را موقتاً از جامعه جدایی سازد و همراه آن از انبوه قیودی که ناچار بود در محیط اجتماع بر خود تحمیل کند آزاد می‌شود.

حال باید در این محیط آزاد با این فلسفه روشن، امنیت کافی وجود داشته باشد، اگر بنا باشد هر کس سر زده وارد این محیط گردد و به حریم امن آن تجاوز کند دیگر آن آزادی و استراحت و آرامش وجود نخواهد داشت و مبدل به محیط کوچه و بازار می‌شود.

به همین دلیل همیشه در میان انسانها مقررات ویژه‌ای در این زمینه بوده است، و در تمام قوانین دنیا وارد شدن به خانه اشخاص بدون اجازه آنها ممنوع است و مجازات دارد، و حتی در جائی که ضرورتی از نظر حفظ امنیت و جهات دیگر ایجاب کند که بدون اجازه وارد شوند مقامات محدود و معینی حق دادن چنین اجازه‌ای را دارند.

در اسلام نیز در این زمینه دستور بسیار مؤکد داده شده و آداب و ریزه کاریهایی در این زمینه وجود دارد که کمتر نظیر آن دیده می‌شود.

در حدیثی می‌خوانیم: که ابو سعید از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه ورود به منزل گرفت در حالی که روبروی در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایستاده بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به هنگام اجازه گرفتن روبروی در نیست!

در روایت دیگری می‌خوانیم که خود آنحضرت هنگامی که به در خانه کسی می‌آمد روبروی در نمی‌ایستاد بلکه در طرف راست یا چپ قرار می‌گرفت و می‌فرمود: السلام علیکم (و به این وسیله اجازه ورود می‌گرفت) زیرا آن روز

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۱

هنوز معمول نشده بود که در برابر در خانه پرده بیاویزند.
حتی در روایات اسلامی می‌خوانیم که انسان به هنگامی که می‌خواهد وارد خانه مادر یا پدر و یا حتی وارد خانه فرزند خود شود اجازه بگیرد.
در روایتی آمده است که مردی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: آیا به هنگامی که می‌خواهم وارد خانه مادرم شوم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آری، عرض کرد مادرم غیر از من خدمتگزاری ندارد باز هم باید اجازه بگیرم؟! فرمود: اتحبان تراها عریانه؟! «آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی»؟! عرض کرد: نه، فرمود: فاستاذن علیها! «اکنون که چنین است از او اجازه بگیر»!.

در روایت دیگری می‌خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگامی که می‌خواست وارد خانه دخترش فاطمه (علیه السلام) شود، نخست بر در خانه آمد دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد، سپس فرمود: السلام علیکم، فاطمه (علیه السلام) پاسخ سلام پدر را داد، بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اجازه دارم وارد شوم؟ عرض کرد وارد شو ای رسول خدا!

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود فاطمه عرض کرد: مقنعه بر سر من نیست، و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مجدداً سلام کرد و فاطمه (علیه السلام) جواب داد، و مجدداً اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق فاطمه (علیه السلام) اجازه ورود برای همراهش جابر بن عبدالله گرفت.

این حدیث بخوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که یک الگو و سرمشق برای عموم مسلمانان بود این نکات را دقیقاً رعایت می‌فرمود.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۲

حتی در بعضی از روایات می‌خوانیم باید سه بار اجازه گرفت، اجازه اول را بشنوند و به هنگام اجازه دوم خود را آماده سازند، و به هنگام سوم اگر خواستند اجازه دهند و اگر نخواستند اجازه ندهند!
حتی بعضی لازم دانسته‌اند که در میان این سه اجازه، فاصله‌ای باشد چرا که

گاه لباس مناسبی بر تن صاحب خانه نیست، و گاه در حالی است که نمی‌خواهد کسی او را در آن حال ببیند، گاه وضع اطاق به هم ریخته است و گاه اسراری است که نمی‌خواهد دیگری بر اسرار درون خانه‌اش واقف شود، باید به او فرصتی داد تا خود را جمع و جور کند، و اگر اجازه نداد بدون کمترین احساس ناراحتی باید صرف نظر کرد.

۲- منظور از بیوت غیر مسکونه چیست؟

در پاسخ این سؤال در میان مفسران گفتگو است، بعضی گفته‌اند: منظور ساختمانهایی است که شخص خاصی در آن ساکن نیست، بلکه جنبه عمومی و همگانی دارد، مانند کاروانسراها، مهمانخانه‌ها، و همچنین حمامها و مانند آن آیین مضمون در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) صریحا آمده است.

بعضی دیگر آن را به خرابه‌هایی تفسیر کرده‌اند که در و پیکری ندارد، و هر کس می‌تواند وارد آن شود، این تفسیر بسیار بعید به نظر می‌رسد چه اینکه کسی حاضر نیست متاع خود را در چنین خانه‌ای بگذارد. بعضی دیگر آن را اشاره به انبارهای تجار و دکانهایی می‌دانند که متاع مردم به عنوان امانت در آن نگهداری می‌شود و صاحب هر متاعی حق دارد برای گرفتن متاع خویش به آنجا مراجعه کند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۳

این تفسیر نیز با ظاهر آیه چندان سازگار نیست. این احتمال نیز وجود دارد که منظور خانه‌هایی باشد که ساکن ندارد و انسان متاع خود را در آنجا به امانت گذارده، و هنگام گذاردن رضایت ضمنی صاحب منزل را برای سرکشی یا برداشتن متاع گرفته است. البته قسمتی از این تفاسیر با هم منافاتی ندارد، ولی تفسیر اول با معنی آیه سازگارتر است.

ضمنا از این بیان روشن می‌شود که انسان تنها به عنوان اینکه متاعی در خانه‌ای دارد نمی‌تواند در خانه را بدون اجازه صاحب خانه بگشاید و وارد شود هر چند در آن موقع کسی در خانه نباشد.

۳- مجازات کسی که بدون اجازه در خانه مردم نگاه می‌کند

در کتب فقهی و حدیث آمده است که اگر کسی عمدا به داخل خانه مردم نگاه

کنند و به صورت یا تن برهنه زنان بنگرد آنها می‌توانند در مرتبه اول او را نهی کنند، اگر خودداری نکرد می‌توانند با سنگ او را دور کنند، اگر باز اصرار داشته باشد با آلات قتاله می‌توانند از خود و نوامیس خود دفاع کنند و اگر در این درگیری شخص مزاحم و مهاجم کشته شود خونش هدر است، البته باید به هنگام جلوگیری از این کار سلسله مراتب را رعایت کنند یعنی تا آنجا که از طریق آسانترین امر امکان پذیر است از طریق خشنتر وارد نشوند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۴

آیه ۳۰ - ۳۱

آیه و ترجمه

قل للمؤمنین يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ذلک اذکی لهم ان الله خبیرما یصنعون ۳۰

و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یدین زینتهن الا ما ظہر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یدین زینتهن الا البعولتھن اءو ابائھن اءو اءباء بعولتھن اءو اءبنائھن اءو اءبناء بعولتھن اءو اخونھن اءو بنی اخونھن اءو بنی اءخوتھن اءو نسائھن اءو ما ملکت ائیمنھن اءو التابعین غیر اءولی الاربة من الرجال اءو الطفل الذین لم یظھروا علی عورات النساء و لا یضربن بارجلھن لیعلم ما یخفین من زینتھن و توبوا الی الله جمیعاً ایه المؤمنون لعلکم تفلحون

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۵

ترجمه :

۳۰ - به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۳۱ - و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و (اطراف) روسریهای خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا

پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیشان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها هنگام راه رفتن پایهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

شاء نزول:

در کتاب کافی در شاء نزول نخستین آیه از آیات فوق از امام باقر (علیه السلام) چنین نقل شده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد - و در آنروز زنان مقنعه خود را در پشت گوشها قرار می دادند - (و طبعاً گردن و مقداری از سینه آنها نمایان می شد) چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت هنگامی که زن گذشت جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می کرد در حالی که راه خود را ادامه می داد تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می کرد ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه اش ریخته! (سخت ناراحت شد) با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبر

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۶

می روم و این ماجرا را بازگو می کنم، هنگامی که چشم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او افتاد فرمود چه شده است؟ و جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا نازل شد و آیه فوق را آورد (قل للمؤمنین يغضوا من ابصارهم...) .

تفسیر:

مبارزه با چشم چرانی و ترک حجاب

پیش از این هم گفته ایم که این سوره در حقیقت سوره عفت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است، و بحثهای مختلف آن از این نظر انسجام روشنی دارد، آیات مورد بحث که احکام نگاه کردن و چشم چرانی و حجاب را بیان می دارد نیز کاملاً به این امر مربوط است و نیز ارتباط این بحث با بحثهای مربوط به اتهامات ناموسی بر کسی مخفی نیست.

نخست می‌گوید: «به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه کردن به زنان نامحرم و آنچه نظر افکندن بر آن حرام است) فرو گیرند، و دامان خود را حفظ کنند» (قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهن). «(یغضوا) از ماده «غض» (بر وزن خز) در اصل به معنی کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می‌شود، بنابراین آیه نمی‌گوید مؤمنان باید چشمهایشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند، و این تعبیر لطیفی است به این منظور که اگر انسان به راستی هنگامی که با زن نامحرمی روبرو می‌شود بخواهد چشم خود را به کلی ببندد ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست، اما اگر نگاه را از صورت

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۷

و اندام او بر گیرد و چشم خود را پائین اندازد گوئی از نگاه خویش کاسته است و آن صحنه‌ای را که ممنوع است از منطقه دید خود به کلی حذف کرده. قابل توجه اینکه قرآن نمی‌گوید از چه چیز چشمان خود را فرو گیرند (و به اصطلاح متعلق آن فعل را حذف کرده) تا دلیل بر عموم باشد، یعنی از مشاهده تمام آنچه نگاه به آنها حرام است چشم بگیرند. اما با توجه به سیاق آیات مخصوصاً آیه بعد که سخن از مسأله حجاب به میان آمده به خوبی روشن می‌شود که منظور نگاه نکردن به زنان نامحرم است، شأن نزولی را که در بالا آوردیم نیز این مطلب را تایید می‌کند. از آنچه گفتیم این نکته روشن می‌شود که مفهوم آیه فوق این نیست که مردان در صورت زنان خیره نشوند تا بعضی از آن چنین استفاده کنند که نگاههای غیرخیره مجاز است، بلکه منظور این است که انسان به هنگام نگاه کردن معمولاً منطقه وسیعی را زیر نظر می‌گیرد، هر گاه زن نامحرمی در حوزه دید او قرار گرفت چشم را چنان فرو گیرد که آن زن از منطقه دید او خارج شود یعنی به او نگاه نکند اما راه و چاه خود را ببیند و اینکه «غض» را به معنی کاهش گفته‌اند منظور همین است (دقت کنید). دومین دستور در آیه فوق همان مسأله حفظ «فروج» است. «فروج» چنانکه قبلاً هم گفته‌ایم در اصل به معنی «شکاف» و فاصله میان دو چیز است، ولی در اینگونه موارد کنایه از عورت می‌باشد و ما برای

حفظ معنی کنائی آن در فارسی کلمه دامان را به جای آن می گذاریم.
منظور از «حفظ فرج» به طوری که در روایات وارد شده است پوشانیدن

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۸

آن از نگاه کردن دیگران است، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: کل آیه فی القرآن فیها ذکر الفروج فهی من الزنا الا هذه الایة فانها من النظر: «هر آیه ای که در قرآن سخن از حفظ فروج می گوید، منظور حفظ کردن از زنا است جز این آیه منظور از آن حفظ کردن از نگاه دیگران است».

و از آنجا که گاه به نظر می رسد که چرا اسلام از این کار که با شهوت و خواست دل بسیاری هماهنگ است نهی کرده، در پایان آیه می فرماید: «این برای آنها بهتری پاکیزه تر است (ذلک از کی لهم).

سپس به عنوان اخطار برای کسانی که نگاه هوس آلود و آگاهانه به زنان نامحرم می افکنند و گاه آن را غیر اختیاری قلمداد می کنند می گوید: «خداوند از آنچه انجام می دهید مسلماً آگاه است» (ان الله خبیر بما تصنعون).

در آیه بعد به شرح وظایف زنان در این زمینه می پردازد، نخست به وظایفی که مشابه مردان دارند اشاره کرده می گوید: «و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را فرو گیرند (و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند) و دامان خود را حفظ نمایند» (و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن).

و به این ترتیب «چشم چرانی» همانگونه که بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام می باشد، و پوشانیدن عورت از نگاه دیگران، چه از مرد و چه از زن برای زنان نیز همانند مردان واجب است.
سپس به مسأله حجاب که از ویژگی زنان است ضمن سه جمله اشاره فرموده:

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳۹

۱ - «آنها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است (ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها).

در اینکه منظور از زینتی که زنان باید آن را بپوشانند و همچنین زینت آشکاری که در اظهار آن مجازند چیست؟ در میان مفسران سخن بسیار است. بعضی زینت پنهان را به معنی زینت طبیعی (اندام زیبای زن) گرفته‌اند، در حالی که کلمه زینت به این معنی کمتر اطلاق می‌شود.

بعضی دیگر آن را به معنی محل زینت گرفته‌اند، زیرا آشکار کردن خود زینت‌مانند گوشواره و دستبند و بازوبند به تنهائی مانعی ندارد، اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینتها است، یعنی گوشها و گردن و دستها و بازوان.

بعضی دیگر آن را به معنی خود زینت آلات گرفته‌اند منتها در حالی که روی بدن قرار گرفته، و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد.

(این دو تفسیر اخیر از نظر نتیجه یکسان است هر چند از دو راه مسأله تعقیب می‌شود).

حق این است که ما آیه را بدون پیشداوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم که ظاهر آن همان معنی سوم است و بنابراین زنان حق ندارند زینتهائی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباسهای زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست، چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینتهائی نهی کرده است.

در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده نیز همین معنی دیده می‌شود که زینت باطن را به «قلاده» (گردنبند) «دملج» (بازوبند) «خلخال»

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۴۰

(پای برنجن همان زینتی که زنان عرب در مچ پاها می‌کردند) تفسیر شده است.

و چون در روایات متعدد دیگری زینت ظاهر به انگشتر و سرمه و مانند آن تفسیر شده می‌فهمیم که منظور از زینت باطن نیز خود زینتهائی است که نهفته و پوشیده است (دقت کنید).

۲- دومین حکمی که در آیه بیان شده است که: «آنها باید خمارهای خود را برسینه‌های خود بیفکنند» (و لیضر بن بخرهن علی جیوبهن).

«خمر» جمع «خمار» (بر وزن حجاب) در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری).

«جیوب» جمع «جیب» (بر وزن غیب) به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌گردد.

از این جمله استفاده می‌شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به‌شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد. (از شاءن نزول آیه که قبلاً آوردیم نیز این معنی به خوبی استفاده می‌شود).

۳- در سومین حکم مواردی را که زنان می‌توانند در آنجا حجاب خود را بگیرند وزینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می‌دهد: آنها نباید زینت خود را آشکار سازند (و لا یبدین زینتهن). «مگر (در دوازده مورد):

۱- برای شوهرانشان» (الا لبعولتهن).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۴۱

۲- «یا پدرانشان» (او آبائهن).

۳- «یا پدران شوهرانشان» (او آباء بعولتهن).

۴- «یا پسرانشان» (و ابنائهن).

۵- «یا پسران همسرانشان» (او ابناء بعولتهن).

۶- «یا برادرانشان» (او اخوانهن).

۷- «یا پسران برادرانشان» (او بنی اخوانهن).

۸- «یا پسران خواهرانشان» (او بنی اخواتهن).

۹- «یا زنان هم کیششان» (او نسائهن).

۱۰- «یا بردگان» (کنیزانشان) (او ما ملکت ایمانهن).

۱۱- «یا پیروان و طفیلیانی که تمایلی به زن ندارند» (افراد سفیه و ابله‌ی که میل جنسی در آنها وجود ندارد) (او التابعین غیر اولی الاربة من الرجال).

۱۲- «یا کودکانی که از عورات زنان (امور جنسی) آگاه نیستند» (او

الطفل الذين لم يظهروا على عورات النساء).

۴ - و بالاخره چهارمین حکم را چنین بیان می‌کند: «آنها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود» (و صدای خلخالی که بر پا دارند به گوش رسد) (و لا یضر بن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن).

آنها در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود، آنچنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی را که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خود داری کنند، و این گواه باریک بینی اسلام در این زمینه است.

بعد ←

↑ فترت

→ قبل